



# شهید عزیز

به کوشش:

مصیبا معصومیان / صادق کیان نژاد

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



## شهید عزیز

سرشناسه: معصومیان، مصیب: ۱۳۴۷ | عنوان و نام پدیدآور: شهید عزیز / مصیب معصومیان، صادق کیان نژاد | مشخصات نشر: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۶ | مشخصات ظاهری: ۱۹۵ صفحه: مصور(رنگی) | وضعیت فهرست نویسی: فیبا | قیمت: ۲۶۰۰۰ ریال | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۷-۱۱-۲ | موضوع: رادمهر، محمود، ۱۳۹۵-۱۳۹۶ - شهیدان - سوریه - سرگذشت نامه - شهیدان مسلمان - بازماندگان | رده بندی کنگره: ۲۷۱۳۹۶ / BP۵۲۶۶ | رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۸۴ | شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۰۰۸۱۵۱

| Martyrs -- Syria -- Biography -- Muslim martyrs -- Survivors |

شهید عزیز | به کوشش: مصیب معصومیان / صادق کیان نژاد امیری | انتشارات: شهید کاظمی | نوبت چاپ: دوازدهم، زمستان ۱۳۹۶ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۷-۱۱-۲ | قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان | مدیریت هنری و آماده‌سازی: مؤسسه شهید کاظمی

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳  
| شماره تماس: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۸۴۴-۶

www.manvaketab.ir | سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۴۴۱۴۱



@nashreshahidkazemi



باشگاه مخاطبان

- ۹ □□□ مقدمه
- ۱۳ □□□ سخن نویسنده
- ۱۹ □□□ فصل تولد و کودکی
- ۲۵ □□□ فصل جوانه زدن
- ۲۹ □□□ فصل رویش
- ۳۵ □□□ فصل شکوفایی
- ۴۳ □□□ فصل بمرسبزی
- ۵۹ □□□ فصل همبلی
- ۶۳ □□□ فصل ثمردهی
- ۱۱۱ □□□ فصل انتظار جهاد
- ۱۱۹ □□□ فصل انتظار پرواز
- ۱۳۷ □□□ فصل وصال
- ۱۴۵ □□□ فصل فراق یار
- ۱۶۷ □□□ فصل پیروی
- ۱۷۱ □□□ بی سیم به بهشت
- ۱۸۱ □□□ آلبوم تصاویر

## مقدمه



سال ۱۳۹۰ بود که با شهید بزرگوار «محمود رادمهر» آشنا شدم. می‌دیدم در جلسات، فعالیت‌های رزمی، طرح‌ریزی‌ها و امور لشکر، جوانی خوش استعداد، توانمند، بااخلاص و بی‌پیرایه و مسلط بر کار حضور دارد. او چشم را خیره کرده بود. وقتی در جلسات زبان به سخن می‌گشود، سکوت بر جلسات حاکم می‌شد و گوش‌ها خیره بر دهان محمود رادمهر می‌ماند. در میدان‌های رزم، همگان از فرمانده گرفته تا رزمنده نگاهشان به محمود بود تا ببینند او چه می‌گوید. در رفاقت‌ها و جمع‌های دوستانه همه چشم به محمود رادمهر داشتند. خوشحالی خاصی در دلم موج می‌زد که در یگان تحت مسئولیتم چنین جوانی می‌درخشد.

او را برای آینده لشکر انتخاب کرده بودم. به آینده او امیدوار بودم. به توانمندی‌هایش اتکا می‌کردم و به کارهای خالصانه‌اش می‌بالیدم. او واقعاً خالص بود؛ بی‌ادعا؛ هرچه در توانش بود، تقدیم لشکر می‌کرد. همه جا در وسط میدان بود. انسانی رشدیافته و تربیت‌شده بود که هم در حیطة فردی و هم در حیطة کاری ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل بالایی داشت.